

منهای فوتبال

پس از فرنگی، کشتی آزاد ایران هم قهرمان آسیا شد

دیل قهرمانی

نازنین دشتی

در روزهایی که خبرهای ناگوار، بسایه سنگین خود را بر فضای عمومی کشور گسترانده‌اند، دو قهرمانی پیاپی در آوردگاه کشتی آسیا، همچون بارقه‌ای از امید، دل‌ها را روشن کرد. پس از درخشش کشتنی گبران فرنگی کار و ایستادن بر سکوی نخست قاره کهن، نوبت به آزادکاران رسید تا بار دیگر اقتدار کشتی ایران را به رخ حرفان بکشند. این قهرمانی‌ها، فراتر از یک پیروزی ورزشی ساده، نمادی از ایستادگی ملتی بود که در میانه چالش‌های بزرگ، همچنان برای سربلندی خود می‌جنگد.

تیم ملی کشتی آزاد ایران با عزمی جزم برای تکرار قهرمانی آسیا راهی مسابقات شد. در پنج وزن نخست، کشتی‌گیران جوان و باتالگیزه ایران، کار سختی را پیش رو داشتند. میلادواللی‌زاده در وزن ۵۷ کیلوگرم، بانمایشی مقتدرانه تنهاطلاای ایران در روز اول را به گردن آویخت و نشان داد که آینده درخشانی در انتظار اوست. امیرعلی آذرپیرا در ۹۷ کیلوگرم به مدال نقره رسید و سینا خلیلی در ۷۰ کیلوگرم تا کسب مدال برنز، سهمی در افتخار آفرینی روز نخست داشت. اما پیمان نعمتی و مهدی یوسفی نتوانستند به مدال برسند و این موضوع، فشار مضاعفی را بر دوش کشتی‌گیران روز دوم قرار داد.

روز دوم مسابقات، میدان نبرد قهرمانان بزرگ ایران بود. محمدمنزاد جوان (۶۱ کیلوگرم)، امیرمحمد یزدانی (۷۴ کیلوگرم)، کامران قاسمیپور (۸۶ کیلوگرم)، مبین عظیمی (۹۲ کیلوگرم) و امیر حسین زارع (۱۲۵ کیلوگرم)، به‌عنوان امیدهای اصلی تیم، با به تشکک گذاشتند. انتظارات از این پنج نفر بالا بود، چراکه برای تثبیت قهرمانی، نیاز به عملکردی در خشان و کسب مدال‌های طلاداشتند.



در وزن ۶۱ کیلوگرم، احمد محمدمنزاد جوان پس از یک پیروزی قاطع مقابل حریف ژاپنی، در نیمه‌نهایی به مصاف امان از هند رفت. یک کشتی‌گیر و پرفراز و نشیب، با نتیجه ۱۱ بر ۹ به سود حریف هندی به پایان رسید. جوان با وجود شکست، در دیدار رده‌بندی با یک نمایش عالی و امتیاز عالی ۱۲ بر صفر، حریف کره‌ای را مغلوب کرد و مدال برنز را به دست آورد.

در وزن ۷۴ کیلوگرم، امیر محمد یزدانی، دارنده مدال نقره جهان، در دور دوم مقابل یوشینوسو که آثوایگی ژاپنی شکست خورد. یزدانی که با حضور حریف ژاپنی در فینال به گروه شانس مجدد راه یافته بود، با دو پیروزی قاطع، مدال برنز خود را تضمین کرد. او در دیدار رده‌بندی، با نتیجه هشت بر سه حریف قریب‌ترسانی را شکست داد و به مدال برنز دست یافت.

اما اوچ درخشش تیم ایران در اوزان سنگین‌تر رقم خورد. کامران قاسم‌پور، کشتی‌گیر مقتدر وزن ۸۶ کیلوگرم، پس از استراحت در دور نخست، با دو پیروزی آسان مقابل حرفان ژاپنی و ترکمنستانی، راهی فینال شد. قاسم‌پور در فینال، با ضربه فنی داهیا از هند را شکست داد و طلا را به گردن آویخت.

در وزن ۹۲ کیلوگرم، محمدمبین عظیمی با عملکردی خیره‌کننده، بدون از دست دادن حتی یک امتیاز، قهرمان آسیا شد. او در مجموع سه کشتی خود، ۲۶ امتیاز به دست آورد و در فینال با امتیاز عالی ۱۱ بر صفر حریف روسی‌الاصل بحرین را شکست داد. این سومین طلای ایران در روز دوم بود که قهرمانی تیم را قطعی کرد.

در وزن ۱۲۵ کیلوگرم، امیر حسین زارع، دارنده مدال طلای جهان، کار را برای ایران تمام کرد. زارع که در المپیک هم مدال برنز و نقره دارد، با اقتدار کامل، حرفان خود را شکست داد. او در فینال با نتیجه چهار بر صفر شمیل شربویف از بحرین را مغلوب کرد و آخرین مدال طلای ایران را به ارمان آورد.

در مجموع، تیم ملی کشتی آزاد ایران با کسب هشت مدال (چهار طلا، یک نقره و سه برنز) از ۱۰ وزن، مقتدرانه بر سکوی نخست آسیا ایستاد. این قهرمانی‌ها در شرایطی به دست آمد که کشور درگیر چالش‌ها و فشارهای مختلفی است. در این شرایط، موفقیت‌های ورزشی، نه تنها یک پیروزی برای ورزشکاران، بلکه یک پیروزی برای روحیه جمعی ملت به‌شمار می‌رود. این دستاورد، نشان داد که با وجود تمام سختی‌ها، اراده برای جنگیدن و پیروز شدن همچنان زنده‌است.

حالا، نگاه‌ها به بازی‌های المپیک پاریس است. این قهرمانی‌ها، عیار کشتی‌گیران ایران را در سطح قاره‌ای به خوبی نشان داد و امیدها را برای کسب مدال‌های جهانی و المپیک افزایش داد.

با ایلنا همراه شوید

خبرگزاری کار ایران «ایلنا»

صاحب‌امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا

مدیرمسئول: مسعود حیدری

زیرنظر شورای سردبیری

مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

وقتی شبح بی هویتی در سن سیرو پرسه می‌زند

شکوه گمشده

آر یا طاری

باد سردی که این روزها در خیابان‌های میلان می‌وزد، استخوان‌سوزتر از همیشه است. اینچاد، در شهری که روزگاری پایتخت بی‌چون‌وچرای فوتبال اروپا بود و ضرباهنگ قلب قاره سبز با ساق‌های بازیکنان روسونری تنظیم می‌شد، حالا تنها بوی ناامیدی به مشام می‌رسد. وقتی به تاریخچه آث میلان نگاه می‌کنید، با تابلویی باشکوه از افتخار، اصالت و عظمت روبه‌رو می‌شوید؛ هفت تاج پادشاهی اروپا، اسطوره‌هایی که نام‌شان با طلا در کتاب تاریخ فوتبال حک شده و پیراهن‌های قرمز و مشکی که روزگاری لرزه بر اندام هر حرفی می‌انداخت. اما امروز؟ امروز اگر به سن سیرو قدم بگذارید، دیگر خبری از آن هیولای بیدار و مقتدر نیست. آنچه می‌بینید، سایه‌ای رنگ‌باخته‌از تیمی است که هوادارانش را سال‌هاست در برزخی از وعده‌های توخالی و امیدهای واهی رها کرده‌است.

شکست خانگی و تحقیر آمیز سه‌ بر صفر مقابل اودینزه، تنها یک‌باخت در تقویم مسابقات نبوده‌ای بازی، آیینه‌ای تمام‌نما از فروپاشی تیمی بود که قرار بود برای قهرمانی و اعاده حیثیت بجنگد، اما حالا در باتلاقی دست‌وپامی‌زند که حتی نفس کشیدن را هم برایش دشوار کرده‌است. در این مطلب، به کالبدشکافی روزهای تاریک میلان ماسیمیلیانو آلگری می‌پردازیم؛ روزهایی که دی‌ان‌ای قهرمانی در سن سیرو گم شده و «شیطان» دیگر حتی توان ترساندن خودش را هم ندارد.

سوت آغاز بازی با اودینزه که به صدا درآمد، کمتر کسی در ورزشگاه جوزپه‌ماتزا تصور می‌کرد که در پایان ۹۰ دقیقه، شاهد یکی از تلخ‌ترین شب‌های تاریخ معاصر باشگاه باشد. میلان، تیمی که فصل را با جاه‌طلبی‌های بزرگ آغاز کرده بود، در برابر تیمی از میانه‌های جدول چنان بی‌دفاع و آشفته نشان داد که گویی تیمی از لیگ‌های پایین‌تر به مصاف یک مدعی رفته‌است.

دریافت سه گل در خانه، آن هم در شرایطی که تیم به شدت نیازمند کسب سه امتیاز برای حفظ فاصله‌خود در صدر جدول بود، نشان از یک گسست عمیق تاکتیکی و روانی داشت. خط دفاعی میلان که روزگاری با حضور نام‌هایی چون مالدینی، نستا، بارسی و کاستاکور تا به‌عنوان دژی نفوذناپذیر در

شرایط این روزهای آث میلان، یک تراز دی ورزشی تمام‌عیار است.

حضور مکس آلگری روی نیمکت، نه تنها مرهمی بر زخم‌های کهنه این تیم نبوده، بلکه با ایجاد یک بن‌بست تاکتیکی و روانی، روند سقوط را تسریع کرده‌است. سوت‌های اعتراضی علیه لیانو، شکست‌های تحقیر آمیز و خطر

از دست دادن سهمیه اروپایی، همگی نشانه‌هایی از یک بیماری عمیق در ساختار باشگاه هستند

اتفاق روز

نگار رشیدی

نیمه‌شب دوازدهم آوریل ۲۰۲۶، زمانی که سکوتی سنگین و پر از اضطراب اردوگاه یونیون برلین را فرا گرفته بود، تصمیمی از سوی مدیریت این باشگاه اتخاذ شد که نه‌تنها سرنوشت یک تیم، بلکه مسیر تاریخ فوتبال اروپا را برای همیشه تغییر داد. پس از یک نیم‌فصل کاملاً ناامیدکننده، کسب نتایج ضعیف و در نهایت شکست تلخ و ویرانگر سه بر یک مقابل تیم قهرمدولوی هایدنهایم، کاسه صبر مدیران لبریز شد.

اشرفن باومگارتنر و کادرفنی‌اش در حالی چمدان‌های‌شان را بستند که یونیون برلین در رتبه یازدهم جدول، خطر سقوط را بیش از هر زمان دیگری در نزدیکی خود حس می‌کرد. در این بحبوحه عجیب و در شرایطی که تنها پنج فینال مرگ و زندگی تا پایان فصل بوندس لیگا باقی مانده، هورست هلدت، مدیر ورزشی باشگاه، نامی را به‌عنوان سرمربی موقت اعلام کرد که در کسری از ثانیه تئیر یک تمام رسانه‌های معتبر جهان شد؛

ماری لوئیز اتا. زنی ۳۴ساله که قرار است به‌عنوان اولین سرمربی زن تاریخ در پنج لیگ معتبر مردان اروپا، روی نیمکت داغ یک تیم بحران‌زده بنشیند تا تاریخ فوتبال را از نو بنویسد.

برای درک عظمت این اتفاق، باید به مسیر پرپیچ و خم و الهام‌بخش ماری-لوئیز نگاه‌ی عمیق‌تر انداخت. او بیگانه با افتخار و پیروزی نیست؛ قهرمانی جام جهانی زیر ۲۰ساله‌ها با تیم ملی آلمان در سال ۲۰۱۰، نشان از ذهن برنده او در مستطیل سبز دارد. اما ورود به دنیای مربیگری مردان، آن هم در بالاترین وی‌رحم‌ترین سطح ممکن، نیازمند شجاعتی بسیار فراتر از یک ذهن برنده بود. اتا در سال ۲۰۲۳ با حضور به‌عنوان دستیار در

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲

نشانی سایت: toseirani.ir

ایمیل: toseirani@gmail.com

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

اینستاگرام: @tosee_irani

toseirani.ir



در د بزرگ‌ترین است که نسل جدید هواداران میلان، هرگز آن شکوه واقعی را لمس نکرده‌اند. آنها شدت کاهش داده و پروژه بازسازی تیم را سال‌ها به تعویق می‌اندازد. استرس و هراس ناشی از این تهدید، مانند سمی مهلک به جان بازیکنان و کادر فنی افتاده و تمرکز آنها را در حساس‌ترین مقطع فصل مختل کرده‌است.

برای هواداران قدیمی‌تر فوتبال، نام «آث میلان» مترادف با شکوه اروپایی بود. وقتی سرود لیگ قهرمانان در سن سیرو پخش می‌شد، گویی پادشاهان قاره برای تاج‌گذاری به میدان آمده‌اند. از فینال‌های حماسی تا شب‌های جادویی آتن و منچستر، میلان همیشه تیمی بود که در اروپا شخصیتی متفاوت و دست‌نیافتنی داشت.

اما امروز وقتی به این تیم نگاه می‌کنیم، بغض گلوی‌مان‌رامی‌فشارد. میلان کنونی هیچ‌نشانه‌ای از آن تیم پر افتخار و مغرور ندارد. سال‌هاست که هواداران با خاطرات گذشته زندگی می‌کنند؛ با ویدئوهای گلزنی شوچنکو، پاس‌های پیرلو، تکل‌های مالدینی و رهبری آنچلوتی. مدیریت‌های ناکارآمد، پروژه‌های ورزشی نیمه‌کاره، تغییرات مداوم روی نیمکت و خرید بازیکنانی که حتی در حد نیمکت‌نشینی میلان دهه ۲۰۰۰ هم نبستند، این باشگاه را به یک تیم معمولی در سطح ایتالیا و اروپا تبدیل داده‌است.

تیم نبوده، نه تنها مرهمی بر زخم‌های کهنه این تیم نبوده، بلکه با ایجاد یک بن‌بست تاکتیکی و اعتراضی علیه لیانو، شکست‌های تحقیر آمیز و خطر از دست دادن سهمیه اروپایی، همگی نشانه‌هایی از یک بیماری عمیق در ساختار باشگاه هستند. آیا این پایان راه برای میلان در این فصل است؟ در فوتبال هیچ چیز غیرممکن نیست و شاید یک شوک ناگهانی بتواند این بیمار رو به موت را برای چند هفته‌ای احیا کند. اما واقعیت تلخ این است که میلان برای بازگشت به جایگاه واقعی خود، به چیزی بسیار فراتر از چند پیروزی مقطعی نیاز دارد. این باشگاه نیازمند یک انقلاب بنیادین است؛

انقلابی در تفکرات مدیریتی، در فلسفه فنی و در ذهنیتی که بازیکنان با آن پایه‌زمین می‌گذارند. تا زمانی که سایه سنگین گذشته به جای الهام‌بخش بودن، به بساری خردکننده بر دوش تیم تبدیل شده باشد و تا زمانی که هیچ برنامه مدرن و مشخصی برای خروج از این بحران وجود نداشته باشد، سن‌سیرو همچنان شاهد شک‌ها و ناامیدی‌های هوادارانی خواهد بود که با حسرت در این باشگاه می‌نشینند و می‌گویند: «هم‌اکنون روزگاری پادشاه جهان بودیم…»

با ریزبینی، وسواس تاکتیکی و تمرکز بسیار بالاتری بر جزئیات بازی کار می‌کنند. این تفاوت در زاویه دید، می‌تواند الگوهای بازی جدید، روش‌های نوین در مدیریت بحران درون تیمی و شیوه‌های تازه‌ای در تعامل با رسانه‌ها و هواداران را به همراه بیاورد.

اگر این تابلو به‌طور کامل شکسته شود، شاید در آینده‌ای نه‌چندان دور، حضور یک تئوریزین زن روی نیمکت تیم‌های بزرگی در لیگ برتر انگلیس یا لا لیگا، دیگر یک اتفاق شگفت‌انگیز یا تئیر یک رسانه‌ها نباشد، بلکه بخشی از جریان طبیعی شایسته‌سالاری و تکامل تاکتیکی این ورزش به‌شمار رود. مریبانی که بدون ترس از قضاوت‌های پیش‌فرض، تاکتیک‌های شناور تر و مبتنی بر هوش جمعی را به فوتبال تزریق کنند.

هفته آینده، زمانی که یونیون برلین در ورزشگاه تاریخی و پر شور خود، «آلتن فورستر»ی به مصاف ولفسبورگ می‌رود، سوت داور تنها آغاز یک مسابقه فوتبال نخواهد بود؛ آن سوت، ناقوس آغاز یک عصر جدیداست. در آن لحظه که فریاد ده‌ها هزار هوادار در ورزشگاه می‌پیچد، هزاران دختر خردسال در سراسر جهان که پای تلویزیون نشسته‌اند، دیگر فقط آرزوی پوشیدن پیراهن تیم محبوب‌شان را در سر نخواهند پوراند. آنها می‌بینند زنی با صلابت و آرامش در کنار خط طولی زمین ایستاده و زمین‌ایستاده و رهبری تیمی از مردان را در ملتهب‌ترین شرایط ممکن در یکی از سخت‌ترین لیگ‌های جهان بر عهده دارد.

ماری-لوئیز اتا اکنون تنها سرمربی یونیون برلین نیست؛ او پرچمدار تثنی از استعدادهای ناپیده‌گرفته‌شده‌است که سال‌ها پشت درهای بسته منتظر مانده‌اند. او به تمام جهان نشان داد که فوتبال، این زیباترین بازی دنیا، اگر بخواید واقعاً زیابماند و رشد کند، باید درهایش را به روی تمام شایستگی‌ها باز کند. فارغ از اینکه در پنج بازی آینده چه نتیجه‌ای روی تابلوی ورزشگاه ثبت خواهد شد؛ او با یونیون برلین در بوندس لیگا می‌ماند یا خیر، تاریخ جدید این ورزش از همین امروز نوشته شده‌است و فوتبال اروپا، دیگر هرگز همان ورزش بسته و انحصاری دیروز نخواهد بود.

نه تنها در آمدهای نجومی را از چنگ باشگاه خارج می‌کند، بلکه قدرت جذب ستارگان جدید را به شدت کاهش داده و پروژه بازسازی تیم را سال‌ها به تعویق می‌اندازد. استرس و هراس ناشی از این تهدید، مانند سمی مهلک به جان بازیکنان و کادر فنی افتاده و تمرکز آنها را در حساس‌ترین مقطع فصل مختل کرده‌است.

برای هواداران قدیمی‌تر فوتبال، نام «آث میلان» مترادف با شکوه اروپایی بود. وقتی سرود لیگ قهرمانان در سن سیرو پخش می‌شد، گویی پادشاهان قاره برای تاج‌گذاری به میدان آمده‌اند. از فینال‌های حماسی تا شب‌های جادویی آتن و منچستر، میلان همیشه تیمی بود که در اروپا شخصیتی متفاوت و دست‌نیافتنی داشت. اما امروز وقتی به این تیم نگاه می‌کنیم، بغض گلوی‌مان‌رامی‌فشارد. میلان کنونی هیچ‌نشانه‌ای از آن تیم پر افتخار و مغرور ندارد. سال‌هاست که هواداران با خاطرات گذشته زندگی می‌کنند؛ با ویدئوهای گلزنی شوچنکو، پاس‌های پیرلو، تکل‌های مالدینی و رهبری آنچلوتی. مدیریت‌های ناکارآمد، پروژه‌های ورزشی نیمه‌کاره، تغییرات مداوم روی نیمکت و خرید بازیکنانی که حتی در حد نیمکت‌نشینی میلان دهه ۲۰۰۰ هم نبستند، این باشگاه را به یک تیم معمولی در سطح ایتالیا و اروپا تبدیل داده‌است.

شکست خانگی و تحقیر آمیز سه بر صفر مقابل اودینزه، تنها یک باخت در تقویم مسابقات نبود؛ این بازی، آیینه‌ای تمام‌نما از فروپاشی تیمی بود که قرار بود برای قهرمانی و اعاده حیثیت بجنگد، اما حالا در باتلاقی دست‌وپا می‌زند که حتی نفس کشیدن را هم برایش دشوار کرده‌است

ماری لوئیز اتا قرار است اولین مربی زن تیمی از بوندس لیگای مردان باشد

عصر جدید

تاکتیکی ساده برای فرار از منطقه سقوط است. این یک بیانیسه قدرتمند، یک روایت جسورانه و نقد کوبنده‌ای بر ساختارهای سنتنی و انحصار طلبانه فوتبال است. دهه‌هاست که نیمکت تیم‌های مردان به‌عنوان یک باشگاه پسرانه و قلعه‌ای نفوذناپذیر حفظ شده‌است؛ جایی که ورود زنان به آن، اگر نگوئیم غیرممکن، حداقل یک فانتزری دور از ذهن تصور می‌شد.

اما اگر اتا بتواند در این پنج هفته حیاتی، کشتی طوفان‌زده یونیون برلین را به ساحل آرامش برساند، چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ موفقیت او به معنای فروپاشی کامل و بی‌بازگشت استبدال‌های بی‌پایه‌ای است که مدیریت بحران در فوتبال مردان را مختص به ویژگی‌های مردانه می‌دانند. فوتبال به‌عنوان یک پدیده‌بزرگ اجتماعی، همواره آیینه‌ای از نبردهای جامعه برای برابری بوده‌است. موفقیت اتا می‌تواند به معنای ورود مفاهیم کاملاً جدیدی از رهبری به رختکن‌ها باشد؛ مفاهیمی که بر پایه احترام متقابل، درک عمیق روانشناختی، ایجاد فضای امن روانی برای بازیکنان و هوش هیجانی بالا بنا شده‌اند و می‌توانند جایگزین فضای غالباً خشک و مبتنی بر قدرت فیزیکی در رختکن تیم‌های مردان شوند. وقتی از تغییر مسیر فوتبال حرف می‌زنیم، منظورمان چیست؟ نوآوری در فوتبال تنها به‌استفاده از سیستم‌های کمک‌داور ویدئویی (VAR)، تحلیل داده‌های GPS یا تغییر در قوانین افساید محدود نمی‌شود. بزرگ‌ترین نوآوری‌ها همیشه در ذهن و اندیشه رخ می‌دهند. ورود بسر مربیان زن به سطح اول فوتبال مردان، می‌تواند نوبدبخش یک تکامل تاکتیکی و فلسفی شگرف باشد. زنان مربی، به دلیل مسیر به مراتب سخت‌تری که برای اثبات شایستگی خود در این ساختار بی‌رحم طی می‌کنند، غالباً



ماری لوئیز اتا قرار است اولین مربی زن تیمی از بوندس لیگای مردان باشد

عصر جدید

فوتبال جهان شناخته می‌شود، در برابر حملات ساده و مستقیم اودینزه مانند یک ساختار مقوایی فرور یخت. اشتباهات فردی مرگبار، عدم هماهنگی در جایگیری‌ها و فقدان یک رهبر مقتدر در زمین، باعث شد تادروزه روسونری بارها و بارها فرو بریزد. این باخت، تنها از دست دادن سه امتیاز نبود؛ این یک سبلی محکم بر صورت هوادارانی بود که با هزاران امید بلیت خریده بودند تا شاید حرف‌های از بازگشت به روزهای اوچ را ببینند. اما آنچه در زمین رقم خورد، یک خودکشی دسته‌جمعی بود. بازیکنانی که پیراهن‌های سنگین میلان را بر تن داشتند، در زمین قدم می‌زدند و هیچ اثری از غیرت، تعصب و جنگندگی در چهره‌های‌شان دیده نمی‌شد. سن‌سیرو که روزگاری جهنم رقبا بود، در آن شب سرد، تبدیل به قربانگاهی برای آرزوهای هواداران خودی شد.

اگر بخوایم نمادی برای وضعیت اسفناک این روزهای میلان پیدا کنیم، هیچ نامی برازنده‌تر از ارفائل لیانو نیست. ستاره بر تغالی که روزگاری با استارت‌های انفجاری، در بیل‌های ویرانگر و لبخندهای همیشگی‌اش، قلب هواداران را تسخیر کرده بود و به‌عنوان ارزشمندترین بازیکن سری‌آ شناخته می‌شد، حالا به سبیل اصلی انتقادات تبدیل شده‌است.

دقیقه ۷۶ بازی با اودینزه، لحظه‌ای تاریخی و به‌شدت نمادین بود. تابلوی تعویض بالا رفت و شماره ۱۰ میلان باید ز زمین را ترک می‌کرد. اما این یک تعویض عادی نبود. هم‌زمان با خروج لیانو از زمین، موجی از سوت‌های ممتد، هو کردن‌های کرکننده و شعارهای اعتراضی از سوی جایگاه کوروا سئود (Curva Süd) و سایر بخش‌های ورزشگاه به‌هوا برخاست. این صداها، صدای خشم انباشته‌شده هوادارانی بود که از بی‌تفاوتی‌ها، قدم زدن و نمایش‌های خشن ستاره اول تیم‌شان به ستوه آمده بودند.

لیانو، بازیکنی که قرار بود پرچمدار نسل جدید میلان باشد و تیم را به سوی افتخار رهبری کند، در این فصل نشان داده که تاب تحمل بار سنگین پیراهن شماره ۱۰ را ندارد. پیراهنی که روزگاری بر تن بزرگانی چون رود گولیت، دژان سلوئیوویچ، روی کاستا و کلارنس سیدورف بود، حالا بر تن بازیکنی زار می‌زند که به نظر می‌رسد انگیزه و اشتیاق خود را برای جنگیدن از دست داده‌است. لبخندهای تلخ و نگاه‌های خیره لیانو به سکوادر زمان خروج از زمین، تصویری از یک ستاره در حال خاموشی بوده‌است؛ زاری که در سیستم ناکارآمد فعلی، استعدادش در حال نابودی است.

حضور ماسیمیلیانو آلگری روی نیمکت میلان، از همان ابتدا باشک و تردیده‌ای فراوانی همراه بود. اگر چه او سابقه قهرمانی با این تیم را در گذشته‌ای دور در کارنامه داشت، اما فوتبال مدرن با سرعت نور در حال پیشرفت است و به نظر می‌رسد آلگری همچنان در افکار تاکتیکی دهه گذشته خود محبوس مانده‌است.

ایده‌های محافظه‌کارانه، تاکید بیش از حد بر دفاع و استفاده از سیستم‌هایی که خلاقیت بازیکنان هجومی را محدود می‌کند، باعث شده تا

